

روایت‌های يك سيلاب بزرگ

واقعۀ توفان نوح در ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف، با چند ویژگی مشترک نقل شده است...



واقعۀ توفان نوح در ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف، با چند ویژگی مشترک نقل شده است
روایت‌های يك سيلاب بزرگ

جام جم آنلاین: داستان توفان و نابودی موجودات زمین، قدمتی 3000 ساله دارد و در افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه از جایگاه خاصی برخوردار است، این توفان اغلب نتیجه گناه یا خطای مذهبی انسان تلقی می‌شده است. در میان اقوام و ملل گوناگون، داستان‌های زیادی درباره توفانی که زمین را به زیر آب برده، گفته شده است. این داستان‌ها مشترکات زیادی با هم دارند ولی مهم‌ترین تفاوت آنها در نوع برداشت هر قوم از این واقعه بوده است. به این معنا که آنها این داستان‌ها را با توجه به محل جغرافیایی و زیستگاه خود تعریف کرده‌اند. بنابر شواهد علمی و نظریه برخی از دانشمندان، این توفان احتمالاً به آب شدن آخرین یخچال‌های دوره یخبندان یا برخورد شهاب سنگی عظیم با زمین و در بین‌النهرین به سیلاب‌های دجله و فرات مربوط می‌شود. این واقعه به اشکال گوناگون در یاد و خاطره ملل مختلف نمایان شده است.

در میان اقوام و ملت‌ها این سومریان هستند که برای نخستین بار در متون خود از چنین توفانی یاد کرده‌اند. آنها با تسلط بر جنوب بین‌النهرین توانستند باتلاق‌ها را خشک، کانال‌ها و نهرهایی حفر، کشاورزی و شهرهای بزرگ ایجاد کنند. تمدن سومریان به قدری غنی بود که بابلی‌ها شیوه نوشتن و بخشی از دین و فرهنگ خود را از آنها وام گرفتند. در افسانه‌های بابلی- که از افسانه‌های سومری نشأت گرفته - آمده است در روزگاری پس از دورانی که پادشاهان سومری عمری طولانی داشتند، خدایان تصمیم گرفتند که با جاری کردن سیل، نسل انسان گناهکار را نابود سازند. اما یکی از خدایان بر اوت - نیشیتیم رحم آورد و به طور پنهانی به او نصیحت کرد که یک کشتی 7 طبقه بسازد و تمامی موجودات زنده را در آن سوار کند. وقتی این کشتی ساخته شد، درزهای آن با قیر مسدود گردید و اوت - نیشیتیم به همراه خانواده و بستگان و کارگران سوار بر آن شدند. پس از توفانی مهیب، کشتی در کوه نیسیر به خشکی رسید. پس از یک هفته اوت - نیشیتیم برای این‌که دریابد آیا آب فروکش کرده است یا نه، زاگی فرستاد تا خشکی‌ای بیابد.

در تورات نیز تقریباً همین حکایت تکرار شده است: نوح در میان مردم بت پرست و مشرک عصر خود تنها فرد پرهیزگار بود و از این رو در نظر خداوند التفات یافت (سفر پیدایش 6/9).

در سنت میدراشی نوح به معنای تسلی دادن و آسایش است، اما در زمان او چنین اتفاق افتاد که زمین را ظلم و تباہی در برگرفت و خداوند که زمین را آکنده از ظلم و فساد دید، به او امر کرد کشتی بزرگی بسازد و خانواده خود و یک جفت از حیوانات را بر آن سوار کند تا از توفان مهیبی که بر اثر خشم خداوند در راه بود، در امان بمانند. هنگام وقوع سیل، تمامی چشمه‌های عمیق جوشیدند و روزنه‌های آسمان گشوده شدند (همان 7/1-16). به مدت 40 روز باران بارید و پس از مدت زمانی کشتی روی کوه‌های آرارات، آرام گرفت (همان 8/3-4). [کوه آرارات از کلمه اورارتو، قومی که در بخش‌هایی از ارمنستان و ترکیه ساکن بودند، گرفته شده است.] قدری که آب فروکش کرد، نوح زاغ و سپس کبوتری را فرستاد تا دریابد زمین خشک شده است یا نه.

همین داستان در چند سوره مختلف قرآن نیز بازگو شده است. حتی در قرآن سوره‌ای به نام نوح وجود دارد. در کتاب‌های تاریخی و روایات اسلامی شروح مختلفی از این داستان ذکر شده است. در قرآن آمده، نوح نمونه‌ای از پیامبرانی است که قومش به علت نشنیدن سخنان او گرفتار بلاي الهي و در نتیجه توفان شدند.

بنا بر آنچه در قرآن آمده، چندی قبل از توفان، آب از تنوری که در روایات به حوا منسوب است، جوشید (سوره هود، آیات 25-49). جوشیدن آب از تنور، نشانه آغاز توفان بوده است. در همین روایات ذکر شده که جوشیدن تنور در هند بوده است.

نکته: روایت‌های توفان و نابودی موجودات زمین قدمتی 3 هزارساله دارد و در داستان‌ها باورهای عموم مردم از جایگاه خاصی برخوردار است

در بعضی روایات آمده که نوح بدین سبب نوح نام گرفت که بسیار بر خود نوحه می‌کرد و مردم را به سوی خداوند می‌خواند. همچنین آمده که کشتی از کوه لبنان آغاز به حرکت کرده و مسعودی این محل را به کوفه منسوب می‌کند. وقتی کشتی به حرم [کعبه] رسید، یک هفته به دور حرم گشت، سپس در کوه جودی آرام گرفت. در بعضی کتب تاریخی ذکر شده که کشتی در نصیبین، نزدیکی کوه خابور قرار گرفت. احتمالاً این به اصل بابلی داستان اشاره دارد. طبری از قول پیامبر آورده است که کشتی روز عاشورا بر کوه جودی قرار گرفت.

در اساطیر هند آمده که هنگامی که مانو داشت دست خود را می‌شست، ماهی سخنگو به دستش آمد. ماهی از او خواست که او را نجات دهد و به او وعده داد که در عوض او نیز مانو را در آینده از خطری عظیم که همان توفان است، نجات خواهد داد. پس ماهی به او آموخت که باید کشتی بزرگی بسازد و هنگام توفان داخل کشتی شود. وقتی مانو داخل کشتی شد، ماهی نزد او آمد و کشتی را به شاخی که بر سر خود داشت بست. او که در آن زمان ماهی بزرگی شده بود و فقط در اقیانوس جای می‌گرفت، کشتی را به سوی کوهستان شمالی یعنی هیمالیا برد.

در اساطیر یونان نیز از توفان نام برده شده است. این توفان را زئوس، خدای خدایان، اثر خشم خود از گناهکاری و شرارت آدمیان به وجود آورد. او با کمک برادرش، پوسیدون، رب‌النوع دریاها، سیلی به راه انداخت که بواسطه آن کل زمین زیر آب فرو رفت، اما قبل از آن زئوس، دوکالیون پسر پرومتئوس را از این واقعه آگاه ساخت. او و همسرش که افرادی پرهیزگار بودند، سوار بر صندوقی، توانستند پس از توفان زنده بمانند و نسل خود را از نابودی نجات دهند.

روایت‌های توفان و نابودی موجودات زمین قدمتی 3000 ساله دارد و در داستان‌ها باورهای عموم مردم از جایگاه خاصی برخوردار است. توفان غالباً نتیجه گناه یا خطای مذهبی انسان تلقی می‌شده است.

این که نوح در کجا می‌زیسته، کجا از دنیا رفته یا حتی کشتی او در کدام سرزمین فرود آمده است، موضوعی نیست که قصد و هدف این نوشتار باشد، بلکه هدف، اثبات این واقعیت است که روایت‌هایی که درباره توفان گفته شده‌اند منشأی مشترک داشته‌اند.

به عنوان مثال در این روایت‌ها مردمی که به فساد و تباهی رو آورده‌اند، از بین می‌روند و نسلی از انسان‌های درستکار جایگزین آنها می‌شوند. از این روست که نجات‌یافتگان، انسان‌هایی خداپرست بوده‌اند. در قرآن و تورات، نوح(ع) از عمری طولانی برخوردار است. در حالی که عمر پادشاهان سومری نیز بسیار طولانی بوده است و حتی یکی از شخصیت‌های داستان گیلگمش به دنبال زندگی جاودان است.

پرنده‌ای که در حکایات سومری، بابلی و حتی تورات برای یافتن خشکی فرستاده می‌شود، زاغ است.

درباره جوشیدن تنور روایات مختلفی وجود دارد که در این مقال نمی‌گنجد، اما ذکر این نکته ضروری است که اشاره جوشیدن تنور در هند با هبوط آدم در سرزمین هند ارتباط دارد. خصوصاً این‌که هند به عنوان کشوری حاصلخیز اهمیت زیادی داشته است، چراکه در کتب تاریخ اسلامی گفته شده، آدم تاجی از گیاهان بهشتی بر سر داشت که این گیاهان هنگام هبوط او در هند پراکنده شدند و علت خوشبو بودن گیاهان هند بخاطر اصل و منشأ بهشتی آنان است.

آنچه درباره توفان گفته شده نشان می‌دهد که سنت داستانی از يك قوم به قومی دیگر تداوم یافته و داستان‌ها و حکایاتی که جنبه دینی داشته‌اند، در اقوام مختلف تکرار شده‌اند.

هما شهرام‌بخت / جام‌جم